

رویکرد حقوقی جنگ و علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸

همانطور که قبلاً بیان شد هدف عمده ایران از سلسله عملیات برون‌مرزی، اعتراف دولت‌ها و مجامع جهانی به قدرت مادی و معنوی ایران، و تصمیمی عادلانه از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به منظور تضمین صلح و امنیت و تنبیه متجاوز بوده است. عملکرد شورای امنیت بر اساس منشور سازمان ملل می‌توانست در سرنوشت جنگ و حل و فصل معقول و عادلانه آن تأثیر بسزایی داشته باشد. اینک در این فصل واکنش شورای امنیت را در ادامه صدور قطعنامه‌ها پی می‌گیریم و با بررسی سیر تحولات منطقه و جهانی، روند تصمیم‌گیری حقوقی به عنوان تنها راه حل مناقشات ایران و عراق را مد نظر قرار می‌دهیم.

بعد از صدور قطعنامه ۵۵۲، شاهد تحولاتی در اوضاع روند جنگ تحمیلی عراق علیه ایران هستیم. از آن جمله دبیر کل وقت، با ارزشیابی جمهوری اسلامی ایران و عراق برای متوقف ساختن حملات به مناطق مسکونی، جواب مثبت از دو طرف دریافت می‌کند. و از همه مهمتر روابط رسمی امریکا و رژیم عراق نیز از اکتبر سال ۱۹۸۴ برقرار می‌شود. این روابط در آن شرایط حساس می‌تواند بسیار با معنی و سؤال برانگیز باشد.

طرح ۸ ماده‌ای دبیر کل

از تحولات مهم دیگر، طرح هشت ماده‌ای دبیر کل وقت بود که در تاریخ اواسط مارس ۱۹۸۵ دبیر کل آن را به وزاری خارجه ایران و عراق با قید «محرمانه» به منظور اظهار نظر ارائه داد:

۱- هر دو طرف ایران و عراق به خاتمه جنگ و برقراری صلح مصمم هستند، اما نظر آنان در مورد چگونگی و شرایط حصول آن متفاوت است. هر دو طرف آگاهند که با رعایت و احترام به مسؤولیتهای قانون اساسی خود، و نیز تعهدات نسبت به منشور ملل متحد، و همچنین به دلایل اخلاقی و انسانی، دبیر کل باید تلاشهای خود را در جهت کاهش منازعه با مشورت با طرفین

مبذول دارد و پیشنهادهایی برای تدارک ترتیباتی جامع برای مسأله ارائه دهد و بدین منظور برداشتن گامهای زیر لازم است:

۲- هر دو طرف از مجاری محرمانه، قبل از ۲۵ مارس ۱۹۸۵، به دبیرکل اطلاع خواهند داد که کلیه حملات علیه مراکز غیرنظامی را قبل از ساعت ۲۳/۵۹ روز ۲۶ مارس ۱۹۸۵ (به وقت گرینویچ) قطع خواهند کرد. این تأیید مجدد توافق ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ است. این موضوع را صبح روز ۲۷ مارس دبیر کل اعلام خواهد کرد.

۳- هر دو طرف از مجاری محرمانه، قبل از ۲۶ مارس ۱۹۸۵، به دبیر کل اطلاع خواهند داد که همه تهدیدات علیه هوانوردی غیرنظامی را در فضای طرف دیگر، از ساعت ۲۳/۵۹ روز ۳۱ مارس ۱۹۸۵ (به وقت گرینویچ) قطع خواهند کرد. این موضوع را صبح روز بعد از وصول پاسخ مثبت طرفین، توسط دبیر کل اعلام خواهد کرد.

۴- هر دو طرف از مجاری محرمانه، قبل از ۸ آوریل ۱۹۸۵، تعهد خود را به رعایت ضوابط پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در مورد سلاحهای شیمیایی و باکتریولوژیک به دبیر کل اعلام خواهند کرد. این موضوع برای عموم منتشر خواهد شد، و هیچ یک از طرفین از آن استفاده تبلیغاتی نخواهند کرد.

۵- هر دو طرف از مجاری محرمانه، قبل از ۱۶ آوریل ۱۹۸۵، به دبیر کل اطلاع خواهند داد که به حملات علیه کشتیهای غیر مسلح تجاری با هر پرچم و هر مالکیت که بین تنگه هرمز و بنادر کلیه کشورهای ساحلی از جمله دو طرف، رفت و آمد می کنند خاتمه می دهند. این مسأله از ساعت ۲۳/۵۹ دوشنبه ۳۰ آوریل ۱۹۸۵ (به وقت گرینویچ) به موارد اجرا گذارده خواهد شد و صبح روز بعد دبیرکل آن را اعلام خواهد کرد.

۶- هر دو طرف از مجاری محرمانه، قبل از ۱۶ آوریل ۱۹۸۵، به دبیر کل اطلاع خواهند داد که در اصول با خودداری از حمله به بنادر ترمینالها و تسهیلات مربوط به طرف دیگر موافقت دارند. ترتیبات این امر از ساعت ۲۳/۵۹ روز ۳۰ آوریل ۱۹۸۵ به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

هر دو طرف تا قبل از ۱۶ آوریل ۱۹۸۵، نمایندگانی برای بحث با دبیر کل در نیویورک تعیین خواهند کرد که این نمایندگان فهرست بنادر، ترمینالها و تأسیسات مربوط و روشهای اجرایی این ترتیبات را مشخص نمایند.

۷- هر دو طرف تا قبل از اول آوریل ۱۹۸۵، به دبیر کل اطلاع خواهند داد که با کمیته بین المللی صلیب سرخ برای انجام ترتیبات مبادله اسرای جنگی بر اساس کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ همکاری

خواهند کرد. دبیر کل در صورت لزوم، چارچوب و نحوه اجرای این مبادله را تسهیل خواهد نمود.

۸- هر دو طرف با الزام و تعهد و با قصد اجرای ترتیبات مذکور در فوق آن را می‌پذیرند. هر دو طرف طریقی را که به وسیله آن ارتباط مستمر با دبیر کل به منظور مذاکره در خصوص رعیت این ترتیبات و گامهای بعدی برای عادی‌سازی وضعیت برقرار خواهد شد، تعیین خواهند نمود.

طرح هشت ماده‌ای اگر چه با مشورت شورای امنیت تهیه شده بود، لیکن در واقع حاصل تلاش و ابتکار دبیر کل بود. هر چند در این طرح به مسائل اساسی و ریشه‌ای جنگ تحمیلی پرداخته نشده بود و تنها در پاراگراف آخر به طور اجمال «به گامهای بعدی برای عادی سازی وضعیت» اشاره شده بود، و تمام تلاش طرح برای کاهش آلام و مصائب ناشی از جنگ بود. در مجموع جمهوری اسلامی ایران طرح را پذیرفت و آمادگی خود را برای اجرای آن اعلام داشت. دلیل ایران علاوه بر جنبه‌های انسانی و مشکلات ناشی از جنگ شهرها و کاربرد سلاح شیمیایی و میکروبی توسط رژیم عراق بوده است. مشکلات ناشی از عدم امنیت فضای کشور، نقش مهمی بود که به دبیر کل داده شده بود. و به همان نسبت نقش و اهمیت شورای امنیت کم اهمیت جلوه می‌نمود. اما عراق با بهانه‌ای مختلف از پذیرش آن خودداری کرد.

قطعنامه ۵۸۲

بدنبال عملیات والفجر ۸ که در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ در منطقه فاو آغاز شد و منجر به تصرف شهر بندی فاو در خاک عراق و قسمتهایی از منطقه فاو به وسعت ۷۰۰ کیلومتر مربع توسط نیروهای جمهوری اسلامی ایران گردید و این یکی از موفقترین عملیات برون‌مرزی رزمندگان اسلام بود و تأثیر نظامی، سیاسی و روانی مهمی بر ارتش عراق و منطقه و حتی معادلات جهانی گذاشت؛ زیرا با این عملیات، ارتباط دریایی مستقیم عراق با خلیج فارس قطع شد و نیروهای ایران به بصره و مرز عراق با کویت نزدیک شدند.

بازتاب پیروزی این عملیات آنچنان بود که چند روز پس از آن، شورای امنیت به درخواست عراق و سایر اعضای گروه هفت نفری اتحادیه عرب (اردن، تونس، مراکش، کویت، عربستان سعودی، و یمن شمالی) تشکیل جلسه داد. جلسات شورا نزدیک به دو هفته به طول انجامید و طی آن عده‌ای از اعضای اتحادیه عرب و نیز دبیر کل اتحادیه آقای شاذلی قلیبی، در سخنرانی‌های خود در شورا ایران را متجاوز خواندند و خواستار اجرای فصل هفتم منشور در مورد جمهوری اسلامی

ایران شدند. ایران در بحثهای شورا شرکت نکرد، ولی نظریات خود را به طور غیرمستقیم از طریق دبیر کل و بعضی از اعضای شورا مطرح کرد.

به هر صورت طرح قطعنامه‌ای که در اصل توسط گروه اتحادیه عرب پیشنهاد شده بود، با تغییراتی در عبارات و کلمات در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۲/۵) در جلسه ۲۶۶۶ شورا به اتفاق آرا تصویب گردید.

متن قطعنامه از این قرار است:

شورای امنیت، با بررسی موضوع تحت عنوان «وضعیت ما بین ایران و عراق»، با یادآوری اینکه شورای امنیت تقریباً شش سال است که مسئله وضعیت مابین ایران و عراق را زیر نظر داشته و در مورد آن تصمیماتی اتخاذ نموده است. با نگرانی عمیق نسبت به طولانی شدن درگیری بین دو کشور که منتج به تلفات سنگین جانی و خسارات قابل ملاحظه مادی و به مخاطره افتادن صلح و امنیت شده است؟ با یادآوری مفاد منشور و بویژه تعهد همه اعضا برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی خود از طریق صلح‌آمیز به گونه‌ای که صلح، امنیت و عدالت بین‌المللی به خطر نیفتد، با توجه به اینکه هر دو کشور ایران و عراق اعضای پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای خفه کننده و مسموم و دیگر گازها و مواد میکروبی در جنگ، منعقد در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در ژنو می‌باشند، با تأکید بر اصل غیر قابل قبول بودن کسب سرزمین از راه زور، با ملاحظه کوششهای میانجیگرانه‌ای که توسط دبیر کل دنبال می‌شود.

۱ - از اقدامات اولیه‌ای که سبب بروز منازعه بین ایران و عراق شد، اظهار تأسف می‌نماید و از ادامه منازعه متأسف است.

۲ - همچنین از تشدید منازعه، بخصوص تهاجمات ارضی، بمباران مناطق صرفاً غیرنظامی، حملات به کشتی‌های بی‌طرف و یا هواپیماهای کشوری، نقض مقررات انسان دوستانه بین‌المللی و سایر قوانین منازعات مسلحانه و بخصوص استفاده از سلاحهای شیمیایی مغایر با تعهدات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو ابراز تأسف می‌نماید.

۳ - از ایران و عراق می‌خواهد آتش‌بس فوری، توقف همه مخاصمات در زمین، دریا و هوا و عقب کشاندن همه نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی را بدون درنگ رعایت نمایند.

۴ - درخواست دارد که مبادله جامع اسرای جنگی ظرف مدت کوتاهی پس از توقف مخاصمات

با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ انجام گیرد.

۵- از هر دو طرف می‌خواهد که فوراً همه جنبه‌های منازعه را به میانجیگری با هر وسیله دیگر صلح‌آمیز محول نمایند.

۶- از دبیر کل درخواست می‌نماید که به تلاشهای در جریان خود برای کمک به هر دو طرف در جهت مؤثر ساختن این قطعنامه ادامه داده، نتیجه را به شورا اطلاع دهد.

۷- از تمامی کشورهای دیگر درخواست می‌گردد که منتهای خویشتنداری را از خود نشان داده، از هر گونه عملی که منجر به تشدید و گسترده شدن بیشتر جنگ گردد، جداً اجتناب ورزند و با این کار اجرای قطعنامه فعلی را تسریع بخشند.

۸- تصمیم می‌گیرد که موضوع همچنان تحت بررسی قرار داشته باشد.

نکات مهم در تحلیل تطبیقی این قطعنامه با سایر قطعنامه‌های صادر شده عبارتند از:

«عنوان این قطعنامه نیز همان «وضعیت مابین ایران و عراق» است. بنابراین همانند قطعنامه‌های قبلی «توصیه» است و اصل توسل به جنگ توسط دبیر کل رسماً محکوم نشده است و تدبیر مشخص بر اساس منشور ملل و وظایف محوله پیش‌بینی نشده است. فلذا اصل دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور همچنان برای ما باقی است.

قطعنامه (۱۹۸۶) ۵۸۸

عدم پذیرش قطعنامه ۵۸۲ از سوی جمهوری اسلامی ایران، اوضاع بین‌المللی و منطقه‌ای را علیه ایران تیره‌تر کرد تا اینکه کارشناسان اعزامی دبیر کل وقت گزارش خود در خصوص کاربرد سلاح شیمیایی توسط رژیم عراق را تسلیم دبیر کل نمودند، و بدنبال آن رئیس شورای امنیت بیانیه نسبتاً خوبی را دال بر محکومیت کاربرد سلاح شیمیایی توسط رژیم عراق، صادر نمود. تا اینکه در تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۸۶ شورای امنیت نگرانی خود را افزایش دامنه درگیری در جنگ و گسترش حملات به کشتی‌های تجارتی و اهداف غیرنظامی ابراز داشت و از تلاش‌های پیوسته دبیر کل بویژه در زمینه سلاحهای شیمیایی و حمله به مناطق مسکونی حمایت نمود.

سرانجام شورای امنیت به درخواست گروه هفت نفری اتحادیه عرب در ماه اکتبر ۱۹۸۶ بحث خود در مورد جنگ عراق و ایران را مجدداً آغاز کرد. در جلسه مورخ سوم اکتبر ۱۹۸۶ شورای امنیت، دبیر کل طی سخنانی عمق نگرانی جامعه بین‌المللی در خصوص طولانی شدن جنگ ایران

و عراق و توسعه دامنه درگیری بیان داشت. جلسات شورا سرانجام نیز به صدور قطعنامه ۵۸۸ در تاریخ هشتم اکتبر ۱۹۸۶ به شرح زیر گردید:

متن قطعنامه به شرح زیر است:

شورای امنیت، با بررسی موضوع تحت عنوان «وضعیت مابین ایران و عراق»، با توجه به اینکه شورا بیش از شش سال است که این موضوع را زیر نظر داشته و تصمیماتی در مورد آن گرفته است،

با احساس خطر عمیق از به درازا کشیدن و تشدید منازعه که منجر به تلفات سنگین جانی و خسارات قابل ملاحظه مادی شده و صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته است، با در نظر گرفتن تعهد دول عضو مبنی بر آنکه در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری با استفاده از هر روش دیگر مغایر با اهداف ملل متحد خودداری کنند.

با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، بویژه تعهد همه اعضا برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی خود از طریق صلح‌آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به مخاطره نیفتد، همچنین با خاطر نشان ساختن اینکه بر اساس منشور ملل متحد، دول عضو مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت سپرده‌اند و بدین منظور موافقت کرده‌اند نقش شورای امنیت را در حل اختلاف بپذیرند،

با ستایش تلاشهای دبیر کل برای یافتن راه حلی مسالمت‌آمیز برای این مناقشه،

۱ - ایران و عراق را به اجرای کامل و بدون درنگ قطعنامه (۱۹۸۶) ۵۸۲ که در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ به اتفاق آرا تصویب شد فرا می‌خواند.

۲ - از دبیر کل درخواست می‌کند همراه با طرفین برای اجرای قطعنامه مذکور در فوق تلاشهایش را شدت بخشد و حداکثر تا ۳۰ نوامبر ۱۹۸۶ به شورا گزارش دهد.

۳ - تصمیم می‌گیرد به منظور بررسی گزارش دبیر کل و شرایط استقرار صلحی پایدار میان دو کشور طبق منشور ملل متحد و اصول عدالت و حقوق بین‌الملل بار دیگر تشکیل جلسه دهد.

در بررسی و تحلیل تطبیقی این قطعنامه نکات زیر قابل توجه است:

۱ - عنوان این قطعنامه نیز همچون سایر قطعنامه‌های قبلی «وضعیت مابین ایران و عراق» است.

۲ - این قطعنامه نیز همانند قطعنامه‌های قبلی «توصیه» است.

۳ - فاصله زمان صدور قطعنامه ۵۸۸ تا قطعنامه ۵۸۲ هفت ماه و دوازده روز است که نسبت به سایر قطعنامه‌های قبلی فاصله نسبتاً کمی است (تنها فاصله قطعنامه قبلی آن یعنی ۵۱۴ از فاصله قطعنامه ۵۸۸ تا ۵۸۲ کمتر است)

۴ - از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده، این قطعنامه کوتاهترین قطعنامه از مجموعه قطعنامه‌های مورد مطالعه است.

۵ - عملیات نظامی صورت گرفته در زمان نزدیک به صدور قطعنامه ۵۸۸ و حتی در فاصله صدور قطعنامه‌های ۵۸۲ تا ۵۸۸ آنچنان اهمیتی نداشتند که موجب هراس شورای امنیت شده، تا به صدور قطعنامه ۵۸۸ مبادرت ورزد. به بیان دیگر، هیچ شاهد و قرینه‌ای در دست نیست که این قطعنامه را همچون قطعنامه‌های قبلی مرتبط با وضعیت در جبهه‌های جنگ بدانیم، پس شأن نزول این قطعنامه را باید در جای دیگر جستجو کرد.

۶ - به هر صورت چنانچه قطعنامه ۵۸۸ را نیز در ارتباط با جبهه‌های نبرد بدانیم، با توجه به سخنان دبیر کل در اجلاس شورای امنیت که منجر به صدور قطعنامه ۵۸۸ شد، تهدیدات ایران مبنی بر انجام حمله سرنوشت‌ساز و نهایی می‌تواند مؤثر بوده باشد.

قطعنامه ۵۸۸ نیز همانند سایر قطعنامه‌های شورای امنیت عنوان «وضعیت بین ایران و عراق» است و توصیه نامه‌ای بیش نیست و قسمت اعظم مقدماتی آن شبیه قطعنامه ۵۸۲ است. در قسمت اجرایی قطعنامه هم مطلب تازه‌ای به چشم نمی‌خورد، تنها برای گزارش دبیر کل و لزوم برقراری صلح بادوام در بند سوم آن قابل توجه است.

سرانجام قطعنامه ۵۸۸ پس از تصویب، توسط دبیر کل به وزرای امور خارجه هر دو کشور ابلاغ شد و بر اساس آن مواضع آنان در قبال قطعنامه ۵۸۲ و همچنین طرح هشت ماده‌ای دبیر کل استفسار گردید. در تاریخ ۱۳ اکتبر وزیر امور خارجه عراق طی نامه‌ای به دبیر کل اعلام داشت: «دولت عراق قطعنامه ۵۸۸ را که مبین اتفاق نظر مجدد جامعه بین‌المللی برای حصول صلحی جامع، عادلانه و پایدار بین عراق و ایران بر اساس منشور و اصول عدالت و صلح است، می‌پذیرد. موضع دولت عراق راجع به قطعنامه ۵۸۲ همان است که در نامه مورخ ۵ مارس ۱۹۸۶ (S/17897) اعلام شده است. در خصوص طرح هشت ماده‌ای، همان طور که قبلاً اعلام کرده‌ایم، به نظر می‌رسد وسیله‌ای عملی و متوازن برای رسیدن به حل صلح‌آمیز و جامع منازعه که هدف قطعنامه ۵۸۲ است باشد.» در پایان این نامه، آمادگی عراق برای همکاری با دبیر کل ابراز شده بود.

موضع ایران در برابر قطعنامه ۵۸۸:

در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۶، پاسخ تلگراف مورخ ۸ اکتبر دبیر کل از طرف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران داده شد. از آنجا که در این نامه قطعنامه‌های شورای امنیت که تا آن زمان صادر شده بود به نقد کشید شده و مواضع تفصیلی ایران راجع به قطعنامه‌ها تبیین گردیده، ذکر بخشهای اساسی آن خالی از فایده نخواهد بود. در این نامه از جمله آمده است:

مایلم این موضوع را تکرار کنم که تقریباً همه تصمیمات شورای امنیت تحت تأثیر بعضی کشورهای عرب و اعضای مشخص و بانفوذی از شورا، وسیله‌ای برای جلوگیری از تجاوز یا فشار به متجاوز برای بیرون بردن فوری قوایش از سرزمین ما نگردید، بلکه عامل فشاری به جمهوری اسلامی ایران شد تا متجاوز را از تنبیه به خاطر نقض پیمانهای دو جانبه با کشور من و نیز نقض مقررات و قوانین بین‌المللی نجات بخشد. در مواجهه با آشکارترین تجاوز در تاریخ معاصر که در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به وسیله عراق صورت گرفت و قسمتهای عمده‌ای از پنج استان مهم جمهوری اسلامی ایران اشغال گردید، شورای امنیت با سکوت و رضایت ضمنی خود، زمان لازم را برای نیروهای متجاوز عراقی فراهم ساخت تا به تقویت مواضع خود در داخل سرزمین ما پردازند و قطعنامه (۱۹۸۰) ۴۷۹ را صادر کرد که در آن نه تنها متجاوز معرفی نگردید و از نیروهای عراقی نیز درخواست عقب‌نشینی از سرزمین ما به عمل نیامد، بلکه با درخواست آتش‌بس سعی در آن داشت که مردم مظلوم ایران را از حق دفاع مشروع که بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد شناخته شده است. محروم نماید. از این روی شکی نبود که مردم مسلمان ایران برای آزادسازی سرزمینهای خود و استقرار عدالت فقط باید روی تلاشها و فداکاری‌های خود حساب کنند و نه روی سازمانهای بین‌المللی. پس از تصویب قطعنامه ۴۷۹، هنگامی که قسمتهای عمده‌ای از سرزمین ایران در اشغال عراق بود و شهرهای عمده ایران نظیر آبادان، دزفول و شوش در جنوب تا باختران در غرب و سر پل ذهاب در شمال هدف موشکها و توپخانه عراق بود و تلفات جانی فراوان و خسارات مالی عمده‌ای به بار آورد، شورای امنیت دلیلی برای نگرانی در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی نداشت. به هر حال پس از آزادی خرمش و اخراج نیروهای متجاوز عراقی از قسمتهای عمده سرزمین ما در میان

تعجب دولت من، شورای امنیت آنچنان نگران صلح و امنیت بین‌المللی شد که جلسه اضطراری شورا تشکیل و قطعنامه (۱۹۸۲) ۵۱۴ صادر گردید. به عبارت دیگر هنگامی که فداکاری‌های مردم ما ارتش عراق را به عقب راند، شورا به یاد مسئولیتهای نهادی خود افتاد و درخواست عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی را مطرح ساخت. این تصمیم فقط می‌توانست روحیه ارتش شکست خورده عراق را به وسیله مرتبط ساختن عقب‌نشینی با تصمیم یک مرجع بین‌المللی بالا ببرد. بر اساس برخورد دوگانه و موضع جانبدارانه شورای امنیت، قطعنامه‌های دیگری نیز تصویب شد که حاصل آن فقط حمایت از متجاوز بود. در همین حال، حملات هوایی و موشکی عراق به شهرها، کاربرد وسیع و مکرر سلاحهای شیمیایی، تهدید امنیت هوانوردی بین‌المللی، حملات به هواپیماهای مسافربری، حملات به تأسیسات اتمی که با مقاصد صلح‌جویانه احداث می‌شود، حملات به کشتی‌های تجارتی کشورهای ثالث در خلیج فارس، سوء رفتار به ایران و جنایات جنگی، همچنین اخراج دسته‌جمعی شهروندان عراقی به ایران و جنایات جنگی که ارتکاب آن توسط عراق به وسیله سازمانهای بین‌المللی نیز تأیید شده است، همچنان ادامه داشت.

هنگامی که جمهوری اسلامی ایران به عملیات نظامی متوسل شد تا تأسیسات نظامی عراق در فاو را منهدم کند و از این طریق حملات عراق به مناطق مسکونی و کشتی‌های تجارتی و نفتکش در خلیج فارس را کاهش دهد، مجدداً شورای امنیت صلح و امنیت بین‌المللی را در خطر بزرگی دید و قطعنامه (۱۹۸۶) ۵۸۸ را تصویب کرد که فقط متأثر از عملیات فاو بود و حال آنکه اشغال مجدد شهر مهران توسط نیروهای عراقی تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به شمار نرفت.

موفقیت شورای امنیت در گرو پرداختن به اساسی‌ترین مسائل جنگ است که تاکنون مورد غفلت واقع شده است. همچنین لازمه موفقیت شورا بی‌طرفی و شهادت سیاسی لازم در برخورد با رژیم فعلی عراق به عنوان متجاوز و تنبیه آن منطبق با مسئولیت خسارات وارده می‌باشد.

به هر روی مواضع جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با قطعنامه ۵۸۲ به شرح زیر است:

۱ - دو پاراگراف اول اجرایی اگر چه در بردارنده عناصر مثبتی است، اما در معرفی صریح عراق به عنوان متجاوز یا پیش‌بینی معیارهایی برای بازداشتن عراق از کاربرد سلاحهای شیمیایی علیه غیرنظامیان، حمله به کشتی‌های کشورهای ثالث و تهدیدات علیه هوانوردی کشوری و نقض سایر مقررات حقوق بین‌الملل بخصوص اصول حقوق بشر دوستانه بین‌المللی ناقص است.

۲ - پاراگراف سوم قسمت اجرایی غیرقابل اجرا است زیرا:

الف) هدف اصلی عراق در حمله ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به ایران همان‌طور که بارها به وسیله مقامات عراقی از جمله پرزیدنت صدام اعلام شده، تجزیه ایران، تعیین یک رژیم دست‌نشانده در سرزمینهای اشغالی و محو کامل نظام اسلامی ما بود. این اهداف عراق منبعث از سیاستهای نژادپرستانه، فرصت‌طلبانه، سلطه‌جویانه و همچنین با نیت سیادت بر کشورهای عرب خلیج فارس می‌باشد. درخواست مایوسانه عراق برای آتش‌بس ناشی از احتیاج مبرم به بازسازی ارتش شکست خورده آن کشور است.

ب) سوای منشور ملل متحد، عهدنامه ۱۹۷۵ الجزیره نیز مکانیسم ماهرانه‌ای برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین دو کشور پیش‌بینی کرده بود که در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ صدام حسین این عهدنامه را بی‌اعتبار اعلام نمود. وی در یک سخنرانی تلویزیونی خطاب به مردم عراق اظهار داشت که عهدنامه الجزیره هنگامی به امضاء رسید که عراق ضعیف بود و اینک که عراق قدرت خود را بازیافته است. احتیاجی به این عهدنامه ندارد. این الغای یک جانبه این عهدنامه و نقض اساسی‌ترین اصول منشور نشانه خوبی از عدم پابندی عراق به تعهدات خود نیست.

ج) در طول جنگ تحمیلی، عراق مستمراً سلاحهای پیچیده‌ای از قدرتهای سلطه‌گر غرب و شرق دریافت داشته است. ما نمی‌خواهیم با پذیرش آتش‌بس موانع محدودی را که اینک بر سر راه صدور اسلحه به عراق وجود دارد حذف کنیم و وارد یک مسابقه تسلیحاتی با عراق شویم.

۳ - در ارتباط با پاراگراف چهارم اجرایی، دولت من در چارچوب کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ آماده همکاری است.

۴ - دولت من پیوسته از معیارهای پاراگراف هفتم اجرایی استقبال کرده است. از آنجا که چارچوب پیشنهادی قطعنامه دارای نواقص عمده‌ای است که از اقدام جدی و سازنده در مورد مسئله جلوگیری می‌نماید، دولت من آماده است در زمینه‌های زیر همکاری نماید:

الف) انجام ترتیبات امنیتی مناسب برای برقراری امنیت دراز مدت در منطقه خلیج فارس

ب) قبول ضوابط اجرای پاراگراف ۷ قطعنامه ۵۸۲ و جلوگیری از گسترش جغرافیایی جنگ.

ج) کاهش آلام ناشی از جنگ با تأیید و تنفیذ اصول حقوق بین‌الملل ناظر به جنگ، بخصوص حقوق بشر دوستانه بین‌المللی.

در این رابطه جمهوری اسلامی ایران هر طرحی را که هدف آن جلوگیری از کاربرد سلاح شیمیایی، حملات علیه مناطق مسکونی و اهداف غیرنظامی، تهدیدات علیه امنیت هواپیماهای غیرنظامی، حمله به کشتی‌های بی‌طرف و نفتکشها و تضمین امنیت کامل خلیج فارس باشد، مورد استقبال قرار می‌دهد.

د) مبادله گروههای معین از اسرای جنگی

بدین منظور دولت من آمادگی کامل برای بررسی هر پیشنهاد دبیر کل یا هر مقام دیگری را بر طبق ضوابط کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ در مورد مسائل انسانی دارد.

در ارتباط با مواد فوق، طرح هشت ماده‌ای شما می‌تواند به عنوان مبنای مناسبی برای تلاشهای بیشتر به شمار آید.

این نامه یکی از صریحترین و مستدلترین اعلام مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال قطعنامه‌های شورای امنیت است.

دبیر کل نظریات طرفین در مورد قطعنامه ۵۸۸ را به اطلاع شورای امنیت رساند. به این ترتیب این قطعنامه نیز سرنوشتی مشابه قطعنامه‌های قبلی پیدا کرد، با این تفاوت که زمینه‌های لازم برای صدور قطعنامه ۵۹۸ آماده می‌شد.

زمینه‌های صدور قطعنامه ۵۹۸:

در ۱۰ فوریه سال ۱۹۸۶، مصادف با ۲۱ بهمن سال ۶۴ رزمندگان اسلام در یک حمله غافلگیرانه، فاو را تصرف کردند که این امر باعث نگرانی شدید جهان غرب، شوروی سابق و کشورهای ساحلی خلیج فارس شد. آمریکا که به پایداری جمهوری اسلامی ایران مطمئن شد، تصمیم گرفت به هر شکل ممکن خود را به ایران نزدیک کند، از اینجا بود که حادثه رسوایی ایران - کنترا اتفاق افتاد.

با وجودی که دولت آمریکا به منظور تحریم تسلیحاتی ایران، بر کشورهای دیگر فشار وارد می‌آورد اما مخفیانه به ایران سلاح ارسال می‌کرد. آمریکائیان دلایل این اقدام را کمک به آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان، نزدیکی به دولت ایران، و خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق عنوان کردند. لکن این امر بر روابط آمریکا با دیگر کشورها خصوصاً کشورهای عرب منطقه تأثیر نامطلوبی گذاشت و آمریکا نیز که از نزدیکی به دولتمردان ایران ناامید شده بود در سیاست خود یک چرخش تند و سریع به وجود آورد و سیاست حمایت قاطع از عراق و اعراب، و مخالفت خصمانه با ایران را پیش گرفت.

آمریکا در همین راستا در دو جبهه وارد عمل شد:

(الف) در جبهه نظامی، با تقویت ناوگان خود در خلیج فارس و تشویق متحدان خویش به اعزام ناوهای بیشتر به منطقه، عملاً دشواریهایی را برای عملیات ایران بوجود آورد؛ و از سوی دیگر دست عراق را برای هر گونه اقدامی در خلیج فارس بازگذاشت و اطلاعات نظامی آواکسها و ماهواره‌ها را از وضع جبهه‌ها در اختیار عراق قرارداد.

(ب) در جبهه سیاسی نیز به دولت‌ها فشار فرایند وارد کرد که از فروش اسلحه به ایران جلوگیری کنند، و در شورای امنیت نیز کوشید که کشورهای عضو را به تصویب قطعنامه‌ای درباره تحریم فروش اسلحه به ایران موافق سازد.^۱

در ۱۶ دی سال ۱۳۶۵ (۶ ژانویه ۱۹۸۷) ایران حمله بزرگ خود را به جنوب بصره در قالب عملیات کربلای ۵ آغاز کرد و فشارهای فوق‌العاده سنگینی را به ماشین جنگی دشمن وارد آورد. دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، متعاقب این عملیات از اعضاء دائمی شورای امنیت خواست که برای خاتمه دادن به جنگ، با یکدیگر همکاری کنند که این امر با پاسخ مثبت سفرای این

کشورها روبرو شد. در این مذاکرات، آنها «احتمال اینکه جنگ تهدیدی علیه صلح باشد» را مورد بررسی قرار دادند تا بدین وسیله راه را برای استفاده از اختیارات مندرج در فصل هفتم منشور ملل متحد هموار کنند.^۲

رژیم عراق حملات خود را به مناطق مسکونی و نفتکشها گسترش داد. از طرفی حضور نظامی آمریکا به بهانه حمایت از نفتکشهای کویتی در خلیج فارس، بحران را تشدید کرد. همچنین این توهم در کشورهای منطقه ایجاد شده بود که پس از عراق نوبت آنهاست. در این میان ترکیه و اسرائیل از ادامه جنگ خشنود بودند: ترکیه به لحاظ اینکه از ترانزیت کالا بین ایران و اروپا، و نیز ترانزیت کالا، و انتقال نفت عراق از طریق خط لوله، عواید سرشاری نصیب خود می‌کرد.

پس از شروع مذاکرات، اعضاء شورا در مورد صدور قطعنامه‌ای بر اساس فصل هفتم که چارچوب جدیدی را برای فعالیتهای دبیر کل و اقدامات پیگیرانه وی از جمله تحریم‌های اقتصادی فراهم می‌کرد، به توافق رسیدند.

از طرفی وزارت خارجه ایران از پائیز ۱۳۶۵ تا تصویب قطعنامه ۵۹۸، هیأت‌های مختلفی را جهت تأثیرگذاری بر طرح این قطعنامه به کشورهای مختلف اعزام کرد. تا جایی که تهیه کنندگان پیش‌نویس قطعنامه ۵۹۸ مجبور شدند در مقابل دیپلماسی فعال ایران، بندهای ۶، ۷، ۸ را در آن بگنجانند که تا اندازه‌ای متضمن نظرهای ایران بود.^۳

در این میان نقش دولت آلمان غربی و شخص «هانس گنشر» وزیر خارجه این کشور، بسیار برجسته بود که موفق شد درخواست ایران را در مورد تعیین مسئول آغاز جنگ، و پرداخت خسارت، به گونه‌ای قابل توجه در متن پیش‌نویس قطعنامه بگنجانند.^۴

اما عامل مهم صدور قطعنامه ۵۹۸، عملیات متعدد رزمندگان اسلام در خاک عراق بود که شامل مجموعه زنجیره‌ای عملیات کربلا، فتح و نصر است.

عملیات کربلای ۴ در غرب اروندرود، کربلای ۵ در شلمچه و غرب اروندرود و کانال پرورش ماهی، کربلای ۶ در شمال سومار، کربلای ۷ در شمال غرب ایران، کربلای ۸ در شرق بصره و

غرب کانال پرورش ماهی، کربلای ۹ در قصر شیرین، کربلای ۱۰ در شمال شهر ماووت عراق و مقابل سردشت. همچنین عملیات فتح ۱ در منطقه کرکوک، فتح ۲ در شمال شرقی و داخل مرز عراق، فتح ۳ در عمق ۳۰۰ کیلومتری داخل خاک عراق در محدوده دهوک و زاخو، مجدداً عملیات فتح ۴ در منطقه کرکوک، فتح ۵ در سلیمانیه و جوارته و ماووت عراق، فتح ۶ در شمال اربیل عراق، فتح ۷ در سید صادق و حلبچه عراق، و فتح ۸ در شمال استان موصل، و نیز عملیات نصر ۲ و ۳ در شمال اربیل عراق، نصر ۴ در شمال عراق، نصر ۵ در غرب ایران و همچنین عملیات والفجر ۹ در اطراف شهر سلیمانیه عراق.

اکثر این عملیات در داخل خاک عراق، و با موفقیت رزمندگان اسلام توأم بود، خصوصاً پیشروی به سوی شهر بندری بصره و عملیات متحرک رزمندگان، شرایطی را در جبهه‌ها پدید آورد تا شورای امنیت سازمان ملل به شکل جدی‌تری با مسأله جنگ برخورد کند. جدیتی که بتواند مبنای حل و فصل مناقشه باشد به طوری که دبیر کل سازمان ملل در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷، طی گزارشی به شورای امنیت خواست که اعضای شورای امنیت - به خصوص اعضای دائم - برای خاتمه جنگ تلاش جدی کنند. وی همچنین درخواست کرد که آماده است نظرهایش را در اختیار شورا بگذارد تا در جهت اتخاذ مبنایی برای تلاش مشترک آنان مؤثر و مفید واقع شود. سرانجام درخواست دبیر کل مورد قبول اعضای شورا قرار گرفت و از ماه فوریه ۱۹۸۷، اعضاء دائم به طور مشترک و سازماندهی شده، کار خود را در جهت پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق آغاز کردند. کار این گروه پس از چندین ماه به صدور قطعنامه ۵۸ شد.

متن قطعنامه ۵۹۸

قطعنامه ۵۹۸ دارای یک مقدمه و ده‌بند است که در جلسه ۲۵۷۰ شورای امنیت با اتفاق آرا به تصویب رسید. بندهای قطعنامه بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد به شرح زیر است:

- ۱ - مطالبه می‌کند که به عنوان اولین قدم به سوی یک حل و فصل از طریق مذاکره، ایران و عراق به یک آتش‌بس فوری اقدام کنند و تمام عملیات نظامی را در زمین، دریا و هوا متوقف کنند و همچنین تمام نیروها را بی‌درنگ تا سرحدات شناخته شده بین‌المللی بازگردانند.
- ۲ - از دبیر کل درخواست می‌شود که گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را برای تأیید،

تحکیم، نظارت بر آتش‌بس، و عقب‌نشینی به مرزها اعزام کند. به علاوه از دبیر کل درخواست می‌شود که ترتیبات ضروری را برای مشاوره با طرفین انجام دهد و گزارش آن را به شورای امنیت تسلیم کند.

۳ - شورا اصرار دارد که پس از توقف مخاصمات فعال بلادرنگ اسرای جنگی را براساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹، آزاد کند و عودت داده شوند.

۴ - از ایران و عراق دعوت می‌شود که با دبیر کل در خصوص به اجرا درآوردن این قطعنامه و در کوششهای میانجیگرانه برای کسب یک حل و فصل جامع، عادلانه، شرافتمندانه، و مورد قبول طرفین در مورد تمام موضوعات مهم، بر اساس اصول مندرج در منشور ملل متحد همکاری کنند.

۵ - از تمامی دولتهای دیگر دعوت می‌شود که حداکثر خویشتنداری را به عمل آورند و از هر اقدامی که ممکن است به تصاعد و گسترش بیشتر مخاصمه منجر شود، احتراز جویند و بدین گونه به اجرا درآوردن قطعنامه حاضر را تسهیل کنند.

۶ - از دبیر کل درخواست می‌شود که ضمن مشورت با ایران و عراق مسأله تفویض کار تحقیق در باب مسئولیت مخاصمه به هیأتی بی‌طرف را بررسی کند و در حداقل مدت ممکن به شورا گزارش دهد.

۷ - عظمت خسارات وارده در خلال مخاصمه و نیاز به کوشش در جهت نوسازی، با امدادهای بین‌المللی در خور، زمانی که مخاصمه خاتمه پذیرد، تصدیق می‌شود و در همین خصوص از دبیر کل درخواست می‌شود که هیأتی از کارشناسان را برای پژوهش در باب مسأله نوسازی تعیین کند و به شورای امنیت گزارش دهد.

۸ - به علاوه از دبیر کل درخواست می‌شود که با مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه، طرق افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مذاقه قرار دهد.

۹ - از دبیر کل درخواست می‌شود که شورای امنیت را در مورد به اجرا درآوردن این قطعنامه، به طور مداوم مطلع کند.

۱۰ - شورای امنیت تصمیم دارد که برای در نظر گرفتن اقدامات بیشتر و تضمین اجرای این قطعنامه، در صورت ضرورت جلساتی تشکیل دهد.^۵

قطعنامه ۵۹۸ اگر چه انتظار کامل جمهوری اسلامی ایران را برآورده نکرده است، لکن در

مقایسه با قطعنامه‌های قبلی سازمان از ویژگیهای خاصی برخوردار است. مخصوصاً بند شش قطعنامه که در باب تعیین آغازگر جنگ است، با توجه به اهداف اولیه شورای امنیت در جنگ، برای جمهوری اسلامی ایران پیروزی بزرگی به حساب می‌آید؛ زیرا در سایه مقاومت رزمندگان و حرکت دیپلماسی فعال توانسته است شورای امنیت را متقاعد کند که صلح بدون تعیین متجاوز بر خلاف عدالت و امنیت، و در واقع عین ظلم است.

نگاه تحلیلگران سیاسی و نظامی به قطعنامه ۵۹۸:

نگاه تحلیلگران و کارشناسان مسائل سیاسی و نظامی را می‌توان به دو نگاه مثبت و منفی تقسیم کرد:

الف) نگاه مثبت:

تحلیلگران مسائل سیاسی و نظامی که به قطعنامه ۵۹۸ نگاه مثبت داشته و آن را از نظر شکلی و ماهوی برخاسته از اعتقاد شورای امنیت دانسته‌اند، اهم اظهاراتشان عبارتند از:

۱ - قطعنامه ۵۹۸ تحت عنوان «منازعه بین ایران و عراق» صادر شده است و بر خلاف قطعنامه‌های قبلی اعلان «وضعیت مابین ایران و عراق» نیست.

۲ - قطعنامه ۵۹۸ مفصل‌ترین قطعنامه، و از نظر حجم و عبارت دقیق‌ترین آنهاست.

۳ - قطعنامه فوق برخاسته است از اعتقاد شورای امنیت و نگرانی عمیق آن به ادامه جنگ بین ایران و عراق است.

۴ - قطعنامه ۵۹۸ توصیه نامه نیست بلکه حالت آمرانه بودن آن غالب و قوی است.

۵ - قطعنامه ۵۹۸ به اتفاق آرا صادر شده است.

۶ - قطعنامه ۵۹۸ راه حل جامع بین‌المللی برای برقراری صلح عادلانه و شرافتمندانه در منازعه ایران و عراق است.

مطالبی از این قبیل از سوی تحلیلگران و رسانه‌های جهانی و بعضاً هم هدفدار، به منظور ایجاد جنگ روانی و تبلیغاتی علیه ایران ارائه می‌شد، خصوصاً در اوایل صدور قطعنامه با شدت و حدت بیشتری آن را دنبال می‌کردند.

ب) نگاه منفی:

اهم اظهارات تحلیلگرانی که به قطعنامه نگاه منفی دارند عبارتند از:

الف) اگر قطعنامه ۵۹۸ از اعتقاد اعضاء شورای امنیت برخاسته است، چرا این اعتقاد در سالهای اولیه تجاوز که افکار جهانی در انتظار تصمیم جدی شورای امنیت بود، برنخاست؟

ب) اگر قطعنامه ۵۹۸ ناشی از نگرانی عمیق شورای امنیت از ادامه جنگ ایران و عراق است چرا موقعی که رژیم عراق از زمین و هوا و دریا به خاک کشور ما حمله می‌کرد و زنان و کودکان بی‌دفاع مناطق مرزی ما را به خاک و خون می‌کشید، این نگرانی عمیق بوجود نیامد؟ چرا زمانی که رژیم عراق مناطق مسکونی ما را هدف موشک قرار می‌داد و بمب‌های اهدائی اربابان خود را بر سر مردم کوچه و بازار و دانش‌آموزان بی‌گناه مدارس و بیمارستانها می‌ریخت، نگرانی اعضاء شورای امنیت عمیق نشد؟ و چرا هنگامی که رزمندگان اسلام در خاک دشمن با عملیات پی در پی خود در صدد تنبیه متجاوز برآمدند، نگرانی شورا عمیق می‌شود؟

ج) اگر قطعنامه ۵۹۸ پیام‌آور صلح عادلانه و شرافتمندانه بود چرا امام راحل (ره) پذیرش آن را به منزله جام زهر دانست؟ اگر صلح عادلانه است چرا زهر است؟ آیا تحلیلگران خوش‌بین متوجه این تناقض شده‌اند؟

گروهی هم هدف شورای امنیت را در صدور قطعنامه ۵۹۸ در موارد زیر خلاصه می‌کنند:

الف) اعاده حیثیت سازمان ملل متحد در درجه اول به عنوان نهاد حافظ صلح بین‌المللی؛ زیرا شورای امنیت با صدور قطعنامه‌های بی‌حاصل عدم توانایی خود را در اذهان جهانی تقویت می‌کرد، لذا در وحله نخست به منظور نمایش قدرت و نشان دادن توانایی و صلاحیت خود در حل مناقشات بین‌المللی، حاضر شد تسلیم خواست به حق جمهوری اسلامی ایران شود و امتیاز شناسایی آغازگر جنگ را به او بدهد.

ب) جلوگیری از سقوط صدام؛ حامیان بین‌المللی صدام به خوبی دریافتند که ایران با تصمیمات تهاجمی خود در جنگ، ممکن است رژیم صدام را به سقوط بکشاند، لذا به این نتیجه رسیدند که ایجاد حرکت سیاسی تازه در منطقه ضروری است تا نقش عملیات رزمندگان ایران را در ایجاد تحولات سیاسی منطقه بی‌اثر کند.

ج) تقویت روحیه حامیان رژیم عراق به منظور جلب حمایت بیشتر آنها نسبت به صدام و

تشدید روند کمکهای تسلیحاتی و سیاسی آنها و حفظ وجهه منطقه‌ای جنگ ایران و عراق.

(د) سلب دفاع مشروع از ایران

شورای امنیت بر اساس بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ اصل دفاع مشروع را از جمهوری اسلامی ایران سلب کرد، زیرا بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، کشور مورد تجاوز حق دفاع مشروع از خود را دارد تا زمانی که شورای امنیت تدابیر لازم اجرایی را اتخاذ کند.

جمهوری اسلامی ایران و قطعنامه ۵۹۸

امور خارجه ارسال کرده بود، به طور رسمی از قطعنامه و مفاد آن مطلع شد. روز بعد، وزارت امور خارجه ایران با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «شورای امنیت سازمان ملل با عدول از وظائف خود. قطعنامه غیرعادلانه‌ای تصویب کرده که بعضاً مواد آن با یکدیگر در تناقض آشکار است.^۶

آنگاه وعده داده است که موضع تفضیلی وزارت امور خارجه بعداً اعلام خواهد شد. تا اینکه چند هفته بعد در ۲۲ مرداد ۶۶ جمهور اسلامی ایران مواضع رسمی خود را در قبال قطعنامه ۵۹۸ در ۱۸ بند اعلام کرد. در این بیانیه، ایران ضمن اعتراض به اینکه قطعنامه بدون کسب نظر و مشورت با ایران تدوین شده، خروج شورا را از حالت بی‌طرفی محکوم کرد و از شورا خواست که عراق به عنوان متجاوز معرفی شود.^۷

آنچه از بیانیه تهران مستفاد می‌شود این است که ایران قطعنامه ۵۹۸ را نه رد کرد و نه پذیرفت، در این راستا جناب آقای هاشمی رفسنجانی، جانشین فرماندهی کل قوای وقت، چنین اعلام کرد: ما خواستار آن هستیم که اول متجاوز معرفی، و بعد راه حل مسائل جدی هموار شود، معلوم است که محاکمه و تنبیه متجاوز و بازپرداخت غرامت، از همین اقدام آغاز خواهد شد. اگر این جابه جایی در بندها انجام گیرد، راه هموار خواهد شد.^۸

دکتر ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران، نیز عدم مشورت با ایران در مورد تصویب قطعنامه ۵۹۸ و عدم اعلام عراق به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ را از دلایل عدم پذیرش قطعنامه ذکر کرد و آنرا نشان دهنده خطمشی غیرعادلانه و یک طرفه شورای امنیت دانست. تهران اعتقاد دارد حضور نظامی گسترده امریکا در خلیج فارس و اسکورت کشتیهای کویتی، با بند پنجم قطعنامه که از کشورهای جهان خواستار خویشتن داری شده بود، تناقض آشکار دارد.

ولایتی تصریح کرد که ما دلیلی نمی بینیم قطعنامه ای را که برای تحمیل عقاید، ناعادلانه و غیرمنصفانه است، بپذیریم. او صریحاً گفت: «قطعنامه شورای امنیت مورد قبول ما نیست».^۹ میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت، نیز ضمن اعلام عدم اعتبار قطعنامه، گفت ما نسبت به این قطعنامه بدبین هستیم و اگر شورای امنیت واقعاً در پی تحقق صلح در منطقه است باید اجرای بند ۶ را که متضمن معرفی متجاوز است بر بندهای دیگر مقدم بدارد. رجایی خراسانی، نماینده ایران در سازمان ملل متحد، درخواست کرد که عراق، کشور متجاوز معرفی شود و غرامت جنگی را نیز به ایران بپردازد.

در بررسی موضع جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه می رسیم که دو نوع برخورد با قطعنامه کاملاً قابل تمایز است. یک گروه از افراد اعتقاد داشتند که قطعنامه را باید صریحاً و کلاً رد کرد، یعنی همان رویه ای که در مورد دیگر قطعنامه های شورای امنیت اتخاذ کرده بودند، ولی گروه دیگری به سیاست نه رد، نه قبول، اعتقاد داشتند. این گروه با توجه به آمریت قطعنامه و صدور آن بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد و لازم الاتباع بودن آن و نیز سیاستهای هماهنگ شرق و غرب در جهت پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق، این موضع را نسبت به قطعنامه ۵۹۸ اتخاذ کرده بودند، تا هم از طرفی با تبلیغات شدیدی که بر اثر رد کردن قطعنامه ناشی می شد، مواجه نشوند و از طرفی هم با تمسک به تقدم بخشیدن به اجرای بند ۶ قطعنامه بر دیگر بندهای آن، مستمسکی بر عدم پذیرش قطعنامه داشته باشند. مهمترین دلیل اتخاذ این سیاست نسبت به قطعنامه ۵۹۸، اولاً بدبینی شدیدی بود که ایران به علت سابقه عملکرد شورای امنیت، نسبت به آن داشت؛ بطوری که سکوت معنی دار شورا پس از گذشت ۷ سال از جنگ تحمیلی، عامل مهمی در تشدید این بدبینی بود. ثانیاً به دلیل موقعیت برتر نظامی خود در جبهه ها در زمان صدور قطعنامه، سعی داشت امتیازات بیشتری بدست آورد.

موضع‌گیری نه رد، نه قبول، نزدیک به یک سال ادامه داشت و تهران تا مدتی توانست بر فشارهای بین‌المللی برای پذیرش قطعنامه فائق آید. اما افزایش غیرقابل تحمل این فشارها و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم علیه ایران، توافق بی‌سابقه اعضای دائم شورای امنیت برای خاتمه جنگ که حتی به آمادگی شورا برای تصویب قطعنامه‌ای جهت تحریم کامل تسلیحاتی ایران نیز رسیده بود، و نیز حضور گسترده آمریکا و غرب در خلیج فارس و چنگ و دندان نشان دادن غربیها به تهران، و وضعیت بحرانی بازار نفت و بالتبع آن وضع اقتصادی کشور، حمله نیروهای نظامی آمریکا به سکوها نفتی ایران و ورود آمریکا به صحنه درگیری در خلیج فارس علیه ایران، حمله به نیروی دریایی ایران و غرق شدن چندین کشتی جنگی توسط نیروهای امریکایی، و تغییر موضع و موقعیت برتر نظامی در صحنه جنگ زمینی، باعث شد که به لحاظ مصلحت نظام و جلوگیری از تبلیغات جهانی که ایران را جنگ طلب معرفی می‌کرد، ایران قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد و خصوصاً با توجه به روحیه صلح دوستانه دبیر کل سازمان ملل متحد و سعی ایشان در جلب نظر تهران و اعمال نظرهای ما در طرح اجرایی خود برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ که حتی قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به تصویب ایران رسیده بود، در پذیرش قطعنامه موثر بوده است.

طرح اجرایی دبیر کل

دبیر کل طی مذاکراتی با ایران و عراق برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ به عناصر جدیدی دست یافت که در حل قضیه می‌توانست مؤثر باشد. سفر دبیرکل در سپتامبر ۱۹۸۷، به ایران و عراق و مذاکره با مقامات دو کشور، عناصر جدیدی را برای وی آشکار کرد که در گزارش خود به شورای امنیت، نیز به آن اشاره کرد. همچنین ریاست وقت جمهوری اسلامی ایران در سفر به نیویورک برای سخنرانی در مجمع عمومی، مذاکراتی با دبیر کل داشتند. دبیر کل با حمایت شورای امنیت این مسائل جدید را مبنای طرح اجرایی خود قرار داد. اولین مرحله این طرح (که در ۱۵ اکتبر ۱۹۸۷ به هر دو طرف ارائه شد) بر این مبنا بود که قطعنامه ۵۹۸ باید کلاً و مجموعاً پذیرفته شود و هیچ بندی از بندهای قطعنامه بر دیگری ارجحیت و تقدم ندارد. بر اساس این طرح، در روز آتش‌بس (یا **D-Day**) کار هیأت بی‌طرف بررسی مسؤولیت منازعه نیز شروع می‌شود. از تاریخ معینی بعد از روز آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروها شروع می‌شود. بدین ترتیب دبیر کل، آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها را از یکدیگر جدا کرد و بین بند ۱ و بند ۶ قطعنامه نوعی ارتباط و بستگی به وجود آورد. عراق در

پاسخ به طرح اجرایی دبیر کل، در نامه‌ای با امضاء طارق عزیز اعلام کرد که مواضع طرفین باید بر اساس پایبندی به کلمات و روح قطعنامه ۵۹۸ سنجیده شود. نه تنها بندهای قطعنامه باید به ترتیب اجرا شود، بلکه آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها باید پیش از شروع بحث در خصوص سایر موارد اجرا گردد. به این ترتیب عراق در طرح اجرایی دبیر کل کارشکنی کرده است.^{۱۰}

دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران:

مهمترین عوامل در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱ - تغییر استراتژی حمایت مستقیم از صدام، تحت پوشش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در خلیج فارس:

یعنی اگر صدام به هر کاری بر خلاف موازین بین‌المللی دست بزند، چون در شرایط جنگی است مورد سؤال قرار نمی‌گیرد. از این رو بعد از قطعنامه ۵۹۸ می‌بینیم وقتی کشتی استارک امریکایی به وسیله بمب‌افکن ارتش عراق صدمه می‌بیند، صدام از امریکا پاداش می‌گیرد و به جای واکنش منفی، می‌گویند چون منطقه خلیج فارس آرام نیست این پیشامدها طبیعی است و ضربه‌ای را که صدام به آنها زده به خرج ما حل و فصل می‌کنند و راه حل آن را قبول قطعنامه می‌دانند.^{۱۱}

۲ - معرفی صدام به عنوان چهره صلح‌طلب در محافل بین‌المللی

با همه جنایتی که صدام در جنگ مرتکب شده اما چون همه قطعنامه‌های شورای امنیت را نپذیرفته است، چهره‌ای صلح‌طلب، و ایران چهره‌ای جنگ‌افروز معرفی می‌شود.

۳ - کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی و میکروبی توسط عراق:

تبلیغات صلح‌طلبی رژیم عراق در محافل بین‌المللی و رسانه‌های گروهی، پوششی شد تا به صدام به راحتی بتواند مخربترین سلاح‌های میکروبی و شیمیایی را علیه رزمندگان ما در جبهه‌ها به

کار گیرد، و از آن طرف واکنش ایران به دلیل عدم پذیرفتن قطعنامه، ضعیف جلوه می‌کرد.

۴ - تهدیدات بین‌المللی:

تهدیدات بین‌المللی بر بند ۱۰ قسمت اجرایی قطعنامه ۵۹۸ مبتنی بود. به عبارت دیگر قطعنامه ۵۹۸ به دشمنان خطرناکی چون امریکا اجازه داد که حتی تهدیدات خود را با حمله به هواپیمای مسافربری عملی کنند.^{۱۲}

رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت امریکا، در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل پس از نطق رئیس‌جمهور ایران در مجمع گفت:

من از این فرصت استفاده می‌کنم و از ایشان می‌خواهم صریحاً و بدون ابهام اعلام کند که ایران قطعنامه مصوب شورای امنیت را که خواستار برقراری آتش‌بس در جنگ شده قبول دارد یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، این یک گام خوشایند و یک پیشرفت عمده محسوب می‌شود و در صورت منفی بودن پاسخ ایران، شورای امنیت راهی جز اعمال مجازات علیه ایران و وادار کردن این کشور به قبول آتش‌بس پیش رو ندارند.^{۱۳}

به دنبال این تهدیدات بود که حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس صورت گرفت و ۲۹۰ نفر از هموطنان ما جان خود را در آن حادثه از دست دادند. از این رو حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی، رئیس‌جمهور وقت ایران در اعلان رسمی پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ حمله امریکا به هواپیمای مسافربری را آغاز جنگ علنی منطقه‌ای و توسعه دامنه آن دانسته است:

همانطور که به خوبی استحضار دارید، آتش جنگی که به وسیله رژیم عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، با تجاوز علیه تمامیت اراضی جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. اینک ابعاد غیر قابل تصویری به خود گرفته است که کشورهای دیگر و حتی غیرنظامیان بی‌گناه را نیز در شعله‌های خود گرفته است.

قتل ۲۹۰ نفر انسان بی‌گناه که با ساقط کردن هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران

به وسیله یکی از کشتی‌های جنگی امریکایی در خلیج فارس به وقوع پیوست، نمونه بارزی در این خصوص است.^{۱۴}

در همین مورد جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و جانشین فرماندهی کل قوا، اظهار داشتند:

به هیچ وجه ادعای اشتباه در مورد حمله به هواپیمای مسافری ایران و شهادت ۲۹۰ نفر سرنشین بی‌گناه آن پذیرفته نیست، بلکه از نظر ما یک اخطار تلقی می‌شود. همچنین قساوت فوق‌العاده صدام در داخل عراق که هزاران روستا و صدها هزار تن از مردم را با بمباران شیمیایی قتل عام می‌کند از دیگر دلایل آن است که نشان می‌دهد به او اجازه داده‌اند هر جنایتی را مرتکب شود.

مجموعه این شرایط و ادله دیگری که فعلاً ذکر نمی‌شود، ما را به این نتیجه می‌رساند که مصلحت انقلاب و ملت‌های ایران و عراق و منطقه این است که قطعنامه مذکور پذیرفته شود. ایران تا به حال خواستار آن بود که ابتدا کمیته تعیین متجاوز تشکیل شود، ولی فعلاً با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده، از آن شرط خود صرف نظر می‌کند.

متأسفانه تبلیغات جهانی، ما را جنگ‌افروز و جنگ‌طلب معرفی می‌کند و صدام و حزب بعث متجاوز که تمامی قوانین را نقض کرده، ولی چون یک شعار مشخص دارد یعنی قطعنامه را پذیرفته است و قضاوت بین‌المللی را قبول دارد، به صورتی عوام‌فریبانه، صلح طلب معرفی می‌کند. با قبول قطعنامه ۵۹۸ نشان دادیم که در این زمینه انعطاف‌پذیر هستیم... ما هرگز قطعنامه را رد نکرده بودیم، بلکه شرطی روی آن گذاشتیم و این اواخر روشن شد که ممکن است حوادث تلخی در منطقه اتفاق افتد که نقطه عطف آن، سقوط هواپیمای مسافری ایران توسط امریکا بود. آنها که می‌خواستند ما را به دلیل نپذیرفتن قطعنامه، تحریم تسلیحاتی کنند، بطور منطقی از آن پس (در صورتی که عراق از قبول قطعنامه خودداری کند) باید عراق را تحریم کنند.^{۱۵}

بطوری که ملاحظه می‌شود تهدیدات بین‌المللی به خوبی از سوی مسئولان بلندپایه ایران

احساس می‌شد و ترتیبات امنیتی در حوزه خلیج فارس پس از صدور قطعنامه و عدم پذیرفتن آن از سوی ایران با توسل به اصل ۴۱ و ۴۲ منشور، اقدامی بین‌المللی بود. اگر چه تهدیدات در طول هشت سال دفاع مقدس وجود داشت لکن در این مرحله بند ۱۰ قطعنامه، به آن وجهه قانونی بخشید.

۵- سلب دفاع مشروع از ایران:

برابر ماده ۵۱ منشور، کشوری که مورد تجاوز واقع شده است تا زمانی که شورای امنیت تدابیر اجرایی جهت دفع تجاوز اتخاذ نکند حق دارد از خود دفاع کند، اما به محض اینکه شورای امنیت تدابیری اتخاذ کرد باید کشور مورد تجاوز، از ادامه حملات خودداری کند تا شورای امنیت بتواند، با طیب خاطر و اطمینان بیشتر، در زمینه شناسایی و تنبیه متجاوز به فعالیت خود ادامه دهد. از این رو برابر ماده یک قطعنامه تعریف تجاوز، جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا و دریا مورد تجاوز ارتش عراق قرار گرفت و تا زمان صدور قطعنامه قطعنامه ۵۹۸ چون از سوی شورای امنیت برای رفع تجاوز تصمیم جدیدی اتخاذ نشد، حق داشت از خود دفاع کند و از نظر حقوقی، این دفاع حتی در داخل خاک کشور متجاوز می‌تواند مصداق داشته باشد. این واقعیتی است که همه محافل سیاسی و علمای حقوق، خصوصاً شورای امنیت به آن اذعان داشته است و پافشاری ایران را در ادامه دفاع و رد قطعنامه‌هایی که در آن احراز تجاوز نمی‌شد منطقی و عادلانه می‌دانستند. اما قید تعیین مسئول مخاصمه در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ این حق مشروع را از ایران سلب کرد. و دقیقاً ملاحظه می‌کنیم که بعد از این، حجم تبلیغات دشمن و حامیان او حول این محور که ایران ناقض حقوق بین‌المللی است متمرکز می‌شود. حتی سران رژیم عراق در تبلیغات خود علیه ایران آگاهانه اظهار می‌کردند که مسئول ادامه جنگ و طولانی شدن آن، ایران است و همچنین در متن قطعنامه هم شروع و تداوم جنگ یکسان تلقی شده در حالی که دفاع مشروع هیچگاه «ادامه جنگ» نامیده نمی‌شود.

در جنگ رژیم عراق علیه ایران سه نوع پایان قابل تصور بود. اول، ایران مغلوب و رژیم عراق غالب شود. دوم، عراق مغلوب شود و ایران غالب. سوم، تصمیم بین‌المللی نقطه پایان را تعیین کند. در مورد اول اگر قرار بود که ایران مغلوب شود در همان روزهای اول جنگ که غافلگیر شده بود و در اثر درگیری با مشکلات طبیعی بعد از انقلاب برای مقابله با تهاجم گسترده رژیم عراق آمادگی

نداشت می‌بایست از پا در می‌آمد، اما دیدیم که چگونه توانست به طرز معجزه‌آسایی خود را تجهیز کند، و در فاصله کوتاهی نه تنها تمامی اراضی اشغالی را از دشمن پس بگیرد بلکه به تعقیب متجاوز در خاک او نیز بپردازد؛ و از طرفی امام راحل (ره) ملتی که با تکیه بر ایمان و اراده الهی می‌جنگند شکست در منطق او راه ندارد.^{۱۶} بنابراین ایران خصوصاً بعد از فتح جزیره فاو که در اوج اقتدار نظامی بود و با تدبیر داهیانه امام راحل (ره) انگیزه دفاعی خود را بر ایمان و عنایت الهی از یک طرف، و موازین بین‌المللی (حق دفاع مشروع) از طرف دیگر مبتنی ساخت، تصور شکست از نظر عقلی و تحلیل سیاسی تحقیقاً ناممکن بود. حال می‌ماند شق دوم، یعنی شکست ارتش عراق و شق سوم، یعنی تصمیم بین‌المللی، که تأخیر در رسیدن به نتیجه در هر کدام موجب ادامه جنگ شد. و شواهد نشان می‌دهد که اعضاء شورای امنیت تحت تأثیر عوامل استکبار، قلباً به شکست ارتش عراق در منطقه راضی نبودند. بی‌التفات شورای امنیت به مسائل جنگ تا زمانی که رژیم عراق موفقیت برتر را در جبهه‌ها داشت، و شورا جدی شد به منظور نجات ارتش عراق از خطر سقوط، تحت پوشش صدور قطعنامه‌های پی در پی در شرایطی که ایران موقعیت برتر نظامی را به دست آورد، واقعیتی است که بر هیچ کس پوشیده نیست و می‌توان نتیجه گرفت که مسئول ادامه جنگ به تعبیری خود شورای امنیت است.

۶ - تغییر روند تحولات در جبهه‌های نبرد:

از جمله آثار محسوس قطعنامه ۵۹۸ تأثیر مستقیم بر روند عملیات در جبهه‌های نبرد بوده است. بطوری که به عقب‌نشینی نیروهای رزمنده ایران از بسیاری از مناطق اشغالی در داخل خاک عراق منجر شده بود. این تغییر شرایط، دلائل متعددی دارد که مهم‌ترین آن عبارتند از:

(الف) جنگ روانی و تبلیغات هدف‌دار محافل استکباری در کنار حضور بی‌سابقه ناوگانهای آمریکایی و متحدانش در خلیج فارس، شرایط پیچیده‌ای را به وجود آورد که ایران مظلوم و قربانی تجاوز، جنگ‌طلب معرفی شود، به همین بهانه رژیم عراق بدون نگرانی از تهدید بین‌المللی، حجم حملات شیمیایی و بمب‌های میکروبی را چند برابر کرده بود. تعیین حجم انهدام بمب‌های شیمیایی و میکروبی توسط کارشناسان سازمان ملل پس از تجاوز عراق به کویت، عمق فاجعه را به خوبی نشان می‌دهد.

ب) فرماندهان نظامی با اطلاع کامل از اوضاع منطقه، راهکارهای نظامی را پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ بی‌نتیجه دانستند و برای شکست محاصره سیاسی و تقلیل فشارهای تبلیغاتی، در کنار مسئولین به مطالعه قطعنامه و کم و کیف آن به عنوان راه حل مسأله پرداختند.

بنابراین تغییر منفی اوضاع جبهه‌ها، از ضعف و یا بی‌توجهی مسئولان جنگ ناشی نبوده است بلکه معلول قطعنامه‌ای است که به لحاظ ماهوی فرصت برنامه‌ریزی عملیات و یا کلاً راه حل نظامی منازعه را منتفی کرد.

۷- تحریم تسلیحاتی ایران:

اگر چه ایران در طول جنگ برای تهیه اسلحه و ادوات جنگی با مشکل مواجه بوده است، اما در این مرحله تحریم مفهوم دیگری داشت یعنی تحریم متوجه کشوری می‌شد که از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ امتناع می‌کرد. ضمناً تجهیز طرف مقابل به هر نوع سلاحی حتی سلاح ممنوعه جزء دیگر مفهوم تحریم بوده است، کما اینکه در فاصله کوتاه بعد از صدور قطعنامه مذکور مصداق خود را یافته است. و همچنین پیامد این تحریم، دلالتان فروش اسلحه را با قیمت چندین برابر حاضر به معامله نمی‌کرد، و با توجه به اوضاع اقتصادی و وضعیت فروش نفت حتی تصور چنین خریدهایی برای ایران ممکن نبود.

بنابراین با توجه به شرایط مذکور برای ایران راهی جز قبول قطعنامه باقی نمانده بود، و مسئولین ما با توجه به این معنا توانستند با مانورهای ظریف و هنرمندانه و اتخاذ سیاست نه رد و نه قبول قطعنامه ۵۹۸، خواست ملت ایران را تا حدودی در طرح اجرایی دبیر کل بگنجانند زیرا یکسان نگری به بندهای قطعنامه و ایجاد ارتباط بین بند یک و شش قطعنامه از خواسته‌های ایران بوده است، به همین دلیل طرحی اجرایی دبیر کل را با صراحت پذیرفت و بعد از آن با تقویت فعالیت دیپلماسی در صحنه سیاسی توانست حقانیت خود را به اثبات برساند و با معرفی رژیم عراق به عنوان آغازگر جنگ، مزد تلاشهای خود را از دبیر کل بگیرد.

امام خمینی و تعیین استراتژی دفاع

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و تغییر استراتژی دفاع در داخل که اتخاذ آن حتی می‌نمود، مقوله‌ای بود که اعلام آن برای افکار مردم خصوصاً احساسات پاک و پرشور رزمندگان ما نارس بود و به

زمینه‌سازی در فاصله زمانی مناسب نیاز داشت، و از آن طرف به لحاظ شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد شده، تطویل زمان می‌توانست هر روزش به ضرر ما باشد. در چنین اوضاع و احوالی امام راحل(ره) که تعیین کننده خط مشی دفاعی در طول هشت سال دفاع مقدس بوده است، تصمیم گرفت پس از اعلان پذیرش رسمی قطعنامه از سوی مسئولین حرف آخر در جنگ را نیز خود بزند، و سرانجام با پیامی رسا و دلنشین که از عشق فروزان او به ملت شهید پرور ایران مایه می‌گرفت ضمن موافقت با پذیرش قطعنامه، در شیوه جدید دفاعی فرمودند:

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسأله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ معتقد بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت کردم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز به این عمل راضی نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود، اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم.^{۱۷}

دفاع از دیدگاه امام راحل(ره) را می‌توان به دو نوع دائمی و غیردائمی تقسیم کرد: استراتژی «دائمی» یا «کلی»، که حفظ اسلام و مصالح مسلمین است، و استراتژی «غیر دائمی» یا «موسمی» که اتخاذ شیوه دفاع در جهت حفظ اسلام است، یعنی اگر دشمن با ابزار نظامی به جنگ ما می‌آید، لزوماً ما هم باید با ابزار و ادوات نظامی دفاع کنیم؛ یا اگر دشمن با ابزارهای فرهنگی و سیاسی به میدان می‌آید ما هم باید با ابزار فرهنگی و شیوه‌های سیاسی مناسب از خود دفاع کنیم و همه این شیوه‌ها باید در راستای استراتژی کلی تعیین حفظ اسلام و مصلحت جامعه باشد. از این رو دشمن ما تا زمانی که در جبهه‌های نظامی به ما حمله کرد، وظیفه ما دفاع نظامی بود و هنگامی که پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ استراتژی ضربه را از جبهه نظامی به جبهه سیاسی کشاند ما هم لازم بود

متناسب با این جبهه، شیوه دفاعی اتخاذ می‌کردیم، به همین دلیل امام راحل (ره) فرمود که من به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده تا چند روز قبل معتقد بودم و اکنون به دلیل حوادث پیش آمده و... با قبول قطعنامه موافقت می‌کنم.

اگر چه امام راحل (ره) با قبول قطعنامه، موقعیت نظام جمهوری اسلامی را در شرایط ایجاد شده حفظ کرد و پس از هشت سال مبارزه، دشمن را از اشغال حتی یک وجب خاک ایران ناامید کرد که در تاریخ جنگها بی‌سابقه است، لکن این تصمیم به منزله پایان مبارزه نبوده است بلکه تغییر استراتژی و اتخاذ شیوه جدیدی از مبارزه در جبهه سیاسی بوده است. بطوری که در این زمینه فرمودند:

«قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسأله جنگ نیست. با

اعلام این تصمیم، حربه‌های تبلیغات جهانخواران علیه ما گند شده است.»^{۱۸}

اما از آن جهت قبول قطعنامه ۵۹۸ برای امام راحل (ره) از زهر کشنده‌تر بود که پس از چند سال دفاع قهرمانانه و تقدیم صدها شهید و جانباز، ملت ایران مضمم شد که متجاوز لجام گسیخته‌ای را که به بدیهی‌ترین اصول انسانی پایبند نبود سر جای خود بنشاند، لکن مشاهده می‌کند که ابرقدرتها بویژه امریکا با وجود شعار "دموکراسی و حقوق بشر" با سوء استفاده از قوانین بین‌المللی برای نجات متجاوز، متفقاً و علناً به صحنه می‌آیند و با عوامفریبی و تبلیغات دروغین، شعار صلح‌طلبی را با حضور ناوگانهای جنگی در آبهای منطقه سر می‌دهند و با سلب دفاع مشروع از ملتی مظلوم، می‌روند که زمینه بین‌المللی را برای مجازات او (ایران) به جای ظالم آماده کنند. فراتر از این، درد امام راحل (ره) ناشی است از سرنوشت جوامع بشری که به دست مشتی عوامفریب بیرحم و بی‌اعتنا به حقوق انسانی گرفتار آمده‌اند، و ملت مظلوم ایران را که برای صلحی عادلانه مبارزه می‌کند، متجاوز می‌خوانند.

بدین ترتیب امام راحل (ره) با تغییر شیوه دفاع، دشمنان را خلع سلاح، و تلاش چند ساله ملت شهید پرور را حفظ می‌کند و این با توجه به شرایط ایجاد شده برای ملت ما نتیجه مطلوبی بوده است، اما از آن جهت زهر می‌نوشد که دنیای استکبار با همه اذنباش برای نجات متجاوز تحت لوای سازمانهای بین‌المللی به صحنه می‌آید و از تفهیم پیام صلح و عدالت و خیرخواهی ایران به گوش مردم جهان ممانعت می‌کنند، زیرا امام راحل (ره) به عنوان مصلحی آگاه و روشن ضمیر،

توسعه آتش تجاوز را در آینده می‌دید که چگونه کشوری مثل کویت را در خود می‌سوزاند، اگر چه بعد از اشغال کویت توسط رژیم عراق دنیا متوجه خیرخواهی امام راحل(ره) شده بود اما دست پنهان امریکا و متحدانش در آستین این تجاوز، برخورد عمدی و مغرضانه آنها را با علم به خیرخواهی امام، و ترسیم خط‌مشی تنبیه متجاوز برای استقرار صلح واقعی در منطقه، به وضوح آشکار می‌کند، و نیز از راز زهرنوشی امام راحل(ره) برای افکار بیدار و دل‌های دردمند پرده برمی‌دارد.

عراق و قطعنامه ۵۹۸

عراق در ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۷، پس از اجلاس مشترک شورای فرماندهی انقلاب و رهبری حزب بعث به ریاست صدام حسین، قطعنامه ۵۹۸ را مورد پذیرش قرار داد. و از صدور این قطعنامه استقبال کرد و آمادگی کامل عراق را برای همکاری با دبیر کل و شورای امنیت در جهت اجرای مفاد قطعنامه، و نیل به حل جامع و عدلانه و پایدار و شرافتمندانه اختلاف با ایران، اعلام کرد و خواستار آن شد که ایران بدون قید و شرط و با حسن نیت قطعنامه را بپذیرد و این امر را شرط اساسی التزام عراق به قطعنامه بیان کرد.^{۱۹}

مجلس عراق قبلاً به اتفاق‌آرا این قطعنامه را تصویب کرده بود و پیشنهاد کرد که کاملاً آنرا از نظر شکل و محتوا می‌پذیرد.

وزیر امور خارجه عراق این اعلام آمادگی را به دبیر کل و شورای امنیت اطلاع داد. سخنگوی عراق نیز ضمن آنکه تصویب قطعنامه ۵۹۸ را یک پیروزی سیاسی و دیپلماتیک برای عراق خواند، افزود: «عراق آمادگی دارد قطعنامه را که در آن دستور آتش‌بس فوری داده شده بپذیرد، مشروط بر آنکه ایران نیز اقدام مشابهی انجام دهد»

پاسخ رسمی عراق در قبال قطعنامه ۵۹۸ در ۱۴ اوت، اینچنین به دبیر کل اعلام شد: «... عراق از قطعنامه استقبال می‌کند و آماده است برای اجرای آن، با دبیر کل و شورای امنیت همکاری کند.»

عراق در زمینه اجرای قطعنامه معتقد بود که باید به ترتیبی که در بندهای آن مقرر شده است اجرا شود. به موجب این نظر، نخست می‌بایست آتش‌بس برقرار شود و کلیه نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی عقب‌نشینی کنند، گروه ناظران سازمان ملل برای نظارت بر آتش‌بس و

عقب‌نشینی در منطقه مستقر شوند، اسیران جنگی مبادله شوند، مذاکره برای حل کلیه اختلافات آغاز گردد و آنگاه هیأتی بی‌طرف تحقیق درباره مسئولیت درگیری را انجام دهد. عراق با اعلام این موضعگیری که از ضعف و موقعیت متزلزل نیروهای این کشور در میدان نبرد ناشی بود، در صحنه عمل بدان پایبند نبود بدین نحو که عراق در رسانه‌های جمعی و جهانی... اعلام می‌کرد که قطعنامه را قبول دارد، ولی عملاً اجرای طرح دبیر کل را به صراحت و آشکارا رد می‌کرد، طرحتی که تا حدودی متضمن خواسته‌های مشروع ایران بود.

با اینکه عراق یکسال قبل از ایران، پذیرش قطعنامه را اعلام کرده بود، دروغین و ظاهری بودن این پذیرش، با ادامه تجاوزات گسترده عراق حتی بعد از پذیرش قطعنامه از سوی ایران، برای مردم جهان هر چه بیشتر روشن شد.

سازمانهای بین‌المللی و قطعنامه ۵۹۸

۱ - جنبش عدم تعهد

جنبش عدم تعهد در روز ۱۸ آوریل ۱۹۵۵، در باندونگ اندونزی بر اثر کوششهای مستمر نهرو، سوکارنو، ناصر و تیتو، در عرصه سیاسی جهان سرد اعلام موجودیت کرده طی این اعلامیه اصول دهگانه‌ای به تصویب رسید که بیانگر اهداف و مقاصد تشکیل این جنبش بود. اصولی که رهایی و عدم وابستگی در برابر بلوک شرق و بلوک غرب را تشویق و ترویج کرد.^{۲۰}

دولت ایران و عراق هر دو در این کنفرانس شرکت کرده و از آمال و مقاصد این جنبش حمایت کرده بودند. اما ایران به لحاظ پیوستن به پیمان نظامی بغداد، نتوانست در نخستین اجلاس سران کشورهای غیر متعهد حضور یابد و از آن به بعد نیز مسأله عضویت ایران در این جنبش مطرح نشد.

در ۱۹۷۹، بعد از انقلاب اسلامی و از هم پاشیدن پیمان سنتو مسأله عضویت این کشور در جنبش بطور جدی مطرح شد و این عضویت، در کنفرانس ششم سران در هاوانا تحقق پذیرفت.

اما عراق از همان اوان تشکیل جنبش عدم تعهد، به عضویت آن در آمده بود.

در پی لغو عهدنامه مرزی ۱۹۷۵، از طرف عراق و حمله این کشور به خاک جمهوری اسلامی ایران، در میان دو کشور عضو جنبش عدم تعهد جنگی شعله‌ور شد. این سازمان برای خاتمه جنگ

تلاشهایی انجام داد. خصوصاً در روزهای آغازین تجاوز، با تشکیل کمیته حسن نیت، به منظور ایجاد پل تفاهم بین ایران و عراق و انجام تحرکات دیپلماتیک وسیع از سوی وزرای خارجه کوبا، هند و یوگسلاوی در جهت اختتام جنگ، موضع فعالی را اتخاذ کرد که تمامی این تلاشها تا زمان صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، با موفقیت همراه نبوده است.

اما قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت زمانی صادر شد که مدت اندکی از اجلاس ششم سران کشورهای عضو جنبش در حراره گذشته بود. در این اجلاس بیانیه‌هایی صادر شد که نشان می‌دهد سیاست جنبش، همگام با سیاست شورای امنیت شکل می‌گیرد و دنبال می‌شود. و این مطلب خصوصاً در قضیه ایران و عراق نمود بیشتری داشت.

جنگ دو کشور بخشی از مطالب بیانیه سیاسی اجلاس سران را بخود اختصاص داده بود، و در این بیانیه ضمن اظهار نگرانی عمیق از آغاز و ادامه جنگ خواستار شد که در کشور فوراً به نبرد میان خود خاتمه دهند، و از دیگر کشورها و سازمانها نیز خواست برای پایان دادن به جنگ بیشتر تلاش کنند.

این بیانیه برای اولین بار به مسأله آغاز جنگ پرداخت و بدون اینکه از متجاوز نامی ببرد آغاز جنگ را محکوم کرد، که این مطلب نیز در راستای سیاستهای اعضای دایم شورای امنیت پس از رد قطعنامه ۵۸۸ توسط ایران بود، که با دادن امتیازات ضعیف به ایران سعی در اختتام جنگ داشتند و این امر در قطعنامه ۵۹۸ نمود بهتری یافت. پس از پایان این اجلاس بود که قطعنامه ۵۹۸ به تصویب شورای امنیت رسید. جنبش بلافاصله از این قطعنامه حمایت کرد و خواستار اجرا و پیگیری مفاد آن شد. اعضای جنبش نیز برای متقاعد کردن ایران به پذیرش قطعنامه تلاشهایی انجام دادند، خصوصاً در این زمینه فعالیتهای کشور هند قابل توجه بوده است.

در حاشیه اجلاس چهل و دوم مجمع عمومی سازمان ملل، وزرای امور خارجه کشورهای جنبش غیرمتعهدها اجلاسی را در نیویورک تشکیل دادند. اجلاس در بیانیه نهایی خود، ضمن نگرانی عمیق از آغاز و ادامه خصومت بین ایران و عراق، مجدداً از دو کشور خواستند که به مناقشات خود خاتمه دهند و از کوششهای اخیر شورای امنیت در جهت ارائه یک راه حل جامع، عادلانه و آبرومندانه - قطعنامه ۵۹۸ - قدردانی کردند و همچنین از شورا خواستند کوششهای خود را برای صلح دو چندان کند.

این سیاست جنبش نسبت به مسأله جنگ ایران و عراق تا زمان پذیرش قطعنامه از سوی ایران،

بلا تغییر ماند.

سیاست و نگرشی که از آن می‌توان تحت عنوان «در سایه شورا» نام ببریم، این است که جنبش عدم تعهد همواره منتظر اقدامات شورای امنیت بود و خود از هر گونه اظهار موضع خودداری کرده است، و پس از اعلام نظر شورای امنیت و قدرتهای بزرگ، به دنباله روی صرف از جو حاکم پرداخت.

این سیاست، نفوذ قدرتهای بزرگ جهان را در تصمیم‌گیری اعضاء جنبش نشان می‌دهد، که با طرز تفکر اولیه و استقلال جنبش عدم تعهد مغایرت دارد.

۲- سازمان کنفرانس اسلامی:

سازمان کنفرانس اسلامی پس از آنکه رژیم صهیونیستی قبله اول مسلمین را عمداً به آتش کشید، تشکیل شد. جمهوری اسلامی ایران و عراق هر دو از اعضاء مهم و مطرح این سازمان به شمار می‌رفته‌اند و می‌روند.^{۲۱}

با شروع جنگ تحمیلی، سازمان کنفرانس اسلامی در صدد برآمد تا به جنگی که بین دو ملت مسلمان عضو این سازمان رخ داده هر چه سریعتر خاتمه دهد. این سازمان در ۴ مهر ۵۹، یعنی ۵ روز پس از آغاز تجاوز عراق، در حاشیه اجلاس وزرای امور خارجه عضو سازمان ملل در نیویورک تشکیل جلسه داد و با تلاش کمیته حسن نیت سعی کرد درگیری را خاتمه دهد. این کمیته چندین سفر به تهران و بغداد انجام داد و خواسته‌های طرفین را به اطلاع یکدیگر رساند. پس از بی‌نتیجه ماندن این مساعی جمیله، سازمان، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون صلح را ایجاد کرد. این کمیسیون نیز فعالیتهایی برای حل مناقشه بین ایران و عراق انجام داد که با موفقیت همراه نبوده است.

جمهوری اسلامی ایران، در سومین اجلاس سران کشورهای در طائف عربستان به علت حضور صدام حسین شرکت نکرد و اجلاس را تحریم کرد. در اجلاس چهارم سران در کازابلانکای مراکش، ایران معتقد بود سازمان کنفرانس اسلامی در این جنگ جانب عراق را گرفته است، بنابراین اجلاس را تحریم کرد.

در اجلاس بعدی سران نیز که در کویت تشکیل شده، از طرف جمهوری اسلامی ایران به دلیل

موضع مغرضانه و جانبدارانه کویت نسبت به جنگ ایران و عراق، نماینده‌ای حضور پیدا نکرد. حال آنکه عراق از این عدم حضورها و تحریمها سوءاستفاده‌های فراوانی می‌کرد. اجلاس کویت در قطعنامه پایانی خود، آتش‌بس و عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی، و مبادله اسرا بین طرفین درگیر را خواستار شده بود. اجلاس در بخش دیگر بیانیه خود از قطعنامه‌های ۵۸۲ و ۵۸۸ شورای امنیت حمایت کرده بود.

اجلاس کویت در حالی به کار خود پایان داد که ابراز خرسندی عراق از پذیرش قطعنامه‌های سازمان کنفرانس اسلامی و شورای امنیت، بخش مهمی از بیانیه پایانی آنرا تشکیل می‌داد. با صدور این بیانیه و درخواست از ایران برای پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت و راه‌حل‌های پیشنهادی سازمان کنفرانس اسلامی، به ۶ سال فعالیتهای کمیته صلح نیز بدون هیچ نتیجه‌ای پایان داده شد و سازمان تا صدور قطعنامه ۵۹۸ هیچگونه تحرک دیپلماتیک و سیاسی خاصی انجام نداد. چندی بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ از سوی شورای امنیت، اجلاس هفدهم وزرای امور خارجه سازمان در امان، پایتخت اردن برگزار شد. در این اجلاس نیز جنگ ایران و عراق بخش مهمی از مذاکرات را در بر می‌گرفت. اجلاس با تأکید بر قطعنامه‌های شورای امنیت خصوصاً قطعنامه ۵۹۸، از ایران خواست که قطعنامه را بپذیرد و اعلام کرد:

۱ - سازمان کنفرانس اسلامی حمایتش را از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت اعلام می‌کند و نیاز بر اجرایش را به صورت یک کل واحد، و اجرای همه مقرراتش را همان طور که در قطعنامه معین شده، تأکید می‌کند.

۲ - از شورای امنیت می‌خواهد که مطابق با منشور ملل متحد در رابطه با ایران، اقدامات مقتضی را برای اینکه از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ استنکاف کرده به مورد اجرا بگذارد.

این بیانیه جو تبلیغاتی منفی علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان به وجود آورد. فرایندی که ایران را به جنگ‌طلبی متهم کرد و باعث تفوق حامیان عراق در کنفرانس شد و نتیجه آنکه سازمان کنفرانس اسلامی از شورای امنیت سازمان ملل می‌خواهد که یکی از اعضاء سازمان ایران را به خاطر عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مورد بازخواست و مواخذه قرار دهد، و اشاره می‌کند که مطابق با منشور ملل متحد اقدامات مقتضی در مورد ایران را به خاطر عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به اجرا بگذارد.

اقداماتی که بر اساس منشور، از تحریم‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و... شروع شده است و به

اجبار نظامی و حتی شدیدتر منتهی می‌شود. این درخواست پنجاه و اندی کشور اسلامی از شورای امنیت است، آنهم در زمانی که در خود شوراهای امنیت بین اعضای دائم برای اعمال مجازات علیه ایران به دلیل استنکاف از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ اتفاق نظر وجود ندارد. و این مسائل همگی نشانگر این است که سازمان، سیاستی مستقل از قدرتهای بزرگ نداشته است و تابع اوامر آنها بوده، که این امر هم در جهان دو قطبی جنگ سرد و سیاستهای استکباری ابرقدرتها امر چندان بعیدی به نظر نمی‌رسد.

شورای همکاری خلیج و قطعنامه ۵۹۸

کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از دهه ۷۰ با وسوسه عربستان برای ایجاد اتحادیه‌ای از خودشان و بدون حضور ایران و عراق مواجه بودند، ولی به دلیل حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا از رژیم شاه و سیاست ژاندارمری ایران در منطقه، این طرح با مخالفت ایران به سرانجام نرسید. پس از انقلاب اسلامی سیاست آمریکا نیز در جهت تشکیل این اتحادیه تغییر کرد و با ایجاد آن موافقت نمود. ولی کشورهای حوزه خلیج فارس به خاطر ترس از سیادت سعودی هنوز با ایجاد این شورا موافق نبودند، جنگ ایران و عراق باعث شد که این زمزمه‌های مخالف نیز خاموش شود و به سردی بگراید، و ۶ کشور عرب حوزه خلیج فارس به گرم داشتن اختلاف‌های فراوان، برای تأمین نیازهای امنیتی مشترک خود در یک پیمان منطقه‌ای گرد هم آیند. این شورا ۸ ماه پس از آغاز جنگ شروع به کار کرد. عربستان، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات از اعضاء مؤسس شورا به شمار می‌آیند، و هم اکنون نیز تنها همان اعضاء مؤسس، در شورا عضو هستند. شورا از ماههای آغازین شروع به کار خود، ادامه دهنده سیاست‌های کشورهای عضو خود در قبال جنگ ایران و عراق بود. یعنی سیاست حمایت از عراق.

شورا تا فتح خرمشهر، به پایان جنگ و عقب‌نشینی عراق علاقه چندانی نشان نداد، اما بعد از این حادثه و درک قدرت نظامی ایران، شورا از ترس شکست عراق تحرکاتی را در جهت نزدیکی به تهران و میانجیگری و خاتمه جنگ شروع کرد. سیاست شورا در طی جنگ دقیقاً همانند سیاست امریکا بود. بدین معنی که شورا نه پیروزی عراق را می‌خواست و نه پیروزی ایران را، زیرا پیروزی هر یک از این دو کشور خطرهای بسیار زیادی برای کشورهای عضو شورا به وجود می‌آورد. در این راستا شورا سعی می‌کرد جنگ در حالتی که نه برنده و نه بازنده قطعی وجود داشته باشد، ادامه

پیدا کند تا هر دو کشور در جنگی فرسایشی درگیر شوند و با اجرای این سیاست، جنگ فوق برنده‌ای ثالث پیدا می‌کرد که آنهم شورا بود. همکاری شورا و کشورهای عضو آن به حمایت از عراق، در شرایطی که در جنگ زمینی شکستهای عمده‌ای را متحمل می‌شد همچنان ادامه داشت؛ تا در نوامبر ۱۹۸۳ بنا به نظر حاکم بحرین، شورا ۴۰ میلیارد دلار به عراق کمک کرد.

این سیاست کمک به عراق باعث شد تهران به کشورهای عضو شورا با دید خصمانه بنگرد و آنها را شریک جنایات عراق بداند، خصوصاً در مورد کویت که با مساعدتهای لجستیکی و تدارکاتی و در اختیار قرار دادن فضا و خاک خود به عراق عملاً به قواعد و مقررات بی‌طرفی، پشت پا زد و طرف جنگ با ایران قلمداد می‌شد.

این عقیده تهران، با حمله به کشتیها و نفتکشهای کویتی که حامل نفت کویت بودند - نفتی که پول فروش آن به عراق داده می‌شد - تجلی پیدا کرد. این سیاست باعث شد که کویت از آمریکا بخواهد کشتیهایش را تحت حمایت خود قرار دهد، و بدین وسیله پای نیروهای بیگانه به منطقه خلیج باز شد.

در این برهه، خصومت اعضاء شورا بویژه کویت و عربستان سعودی با تهران، روز به روز روشن‌تر می‌شد: حمایت بی‌دریغ از عراق، قطع روابط با تهران، کشتار حجاج در خانه امن الهی، دعوت از آمریکا و غرب برای حضور در خلیج تحت پوشش دفاع از آبراههای بین‌المللی و آزادی کشتیرانی. درخواست از کشورهای عرب برای قطع رابطه با ایران. تشویق اعضاء دائم شورای امنیت برای اعمال تحریم نظامی علیه ایران به علت عدم پذیرش قطعنامه‌ها، رایزنی‌های وسیع سعودی و شوروی سابق در جهت برداشتن مسکو از مخالفت با تحریم ایران در شورای امنیت؛ و غیره گوشه‌ای از عملکرد اعضاء شورای همکاری در جنگ عراق علیه ایران است.

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

مقاله: رویکرد حقوقی جنگ و علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸

نویسنده: دکتر اسماعیل منصور لاریجانی

منبع: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس